



## بر علمیه و ثوق الدوله

نقص و ریب مردمی میباشد و بس و است که میزد و شخص خام و خان است ملی اوست و است سیاست دهنده و مجازات کننده سائین و قالدین قوم و ملت و اما اینکه میگوید برای خاطر داری (الجواد قدکبر) ممکن است خطای نظری بوده باشد بده عرض میکنم باز هم خطای نظری با فکر عمومی را نمیتواند و افکار عمومی منزه و مبری است از هر عیب و نقصی انجائیکه بر افکار و نظریات اشخاص و افراد وارد میشود باز برای اثبات بیان غیر تحقیقی خود مینویس مراجع اصول برای عموم اهل خان و مردم این مملکت شود و شایسته است که در این مملکت باشد عرض میکنم باز هم اشتباه اینگونه مطالب را چه طفل شش ساله که تا اندازه دارای فکر بوده و کسی به حقوق خود اعتنا باشد میتواند این قضیه را اثبات کرده حل و فصل نماید مثلا اگر کسی مالک یک خانه باشد و فائز می باشد برای او معین نماید و از نظر صیانت و حفاظت از خانه را انتظار داشته باشد بملامه از نتایج دست رنج خود همه گونه اسباب تعین و ازادی او را قهر را اجده کند آنوقت آن فائز شرایط حقیقت و از دست داده بملامه یک شریک ملکی دیگر هم برای او تعین و درست کند آیا در اینوقت هر با شعور و مدبری حکم بخدادیم او می کند یا خیانت و حملات او را از راه خدمت آقای کرده یا اینکه او را مجرم و خیانت پیشه و محکوم بزوان و اعدام دانست و حکم میکند و اینکه می نویسد اهالی قراء و قسبات را اگر از حسن انتظامات و کفایت آقای وثوق الدوله سوال کنید همه او را شخص بزرگ و کافی و توانا میگویند میتوانند بقدر عرض میکنند باز هم سوء و اشتباه سائین قرائت و اهالی دهات و شهر های ایران یک نفر و از چار واهی از آقای

آقای نویسنده غنی در حالیکه پرده حجاب و اختصار را بر کشیده و قلم جنایت کار خود را بدست گرفته از آقای وثوق الدوله دفاع میکند و در عین حال خود را ذبیح دانسته و از طرفی مقرر باستاد و مسرور از نوشته مندرجه در قانون می باشد این من که نویسنده مسطور و جملات این مقاله انتقادی میباشد یک نفر ایرانی (علاقه مند) ایران و ایرانی بوده و خدمت و چون شایسته و مسرور هم خود وارد نگردد و نمیتواند و هر زمانه هر طور مطالب و بیان حتی بنظم جلوه گر شود باطل تصور و رشادت عنوان کرده و بهر چه از کسی يك و بیسی نداشته و ندارم زیرا هر وقت خواست بیان يك مطلبی نماید پیش خود قابل کرده ملائق اطرافش بخاطر آورده چنانچه میدم حق است با دلایل منطقیه و حقیقت و چنانچه در قبال آن گوی اظهار می کرده و اصافا حق داشت بلحق داده باک تشکر میکنم

آقای نویسنده غنی نوشته جات شما را یعنی آن حناکی ها و فحاشی ها که لباس متانت پوشید در حالیکه باین و توقیر او را زینت و پرآیه داده بودید و پیش خود تصور کرده بودید طرف مقابل یا حائیان او در میان بی قابل و الدیده میباشد و نظریات او را قهر کرده بملامه حناکی های نو را بهر چه زبانی بگوید خریده دیگر در مقام دفاع بر نمی آید خیلی بی مورد تو هم بود که کردید برای آن دفاعات شما را خواندم و سرشارش یعنی آن همه نوشته جات شش هفت سقونی او را با بلند و عریض قانون را با بقیه دارد دیدم چه فکر کردم و قابل نموده که کدامین جمله از جملاتی دلیل و مدرک برای تیرته وثوق الدوله و عدم خیانت کاری و برائت ساحت ایشان میباشد قلمبندم که نه نویسنده که شما تصور کرده اید که مردم و توده جاهل و بی سواد و میتوان اقل را بچند جمله شیرین و رسومات لمکین قریب داده خلط و بخت کرد خیر جناب آقای غنی نیست چنین مردم قهر دارند و شور دارند چیزی نمیدانند اینقدرها هم که شما خیال میکنید بی سواد و جاهل نیستند

آقای نویسنده غنی اینکه می نویسد برای عاقله قتی و اصول لازم است بنده و شما حق عاقله کردن نداریم صحیح است بنده و شما حق عاقله نداریم اما این را هم بشما بگویم زیرا شما کویا ماری از معلومات قتی بود قتی و اصول تحصیل نگرفته اید و پیش خود میگویند راجع بهر مسئله قتی و اصول لازم است و راجع بهر امری قتیان باید عاقله نمایند خبر آقای نویسنده از نظری نیست قتی و اصول برای تنظیم امورات انفرادی و تکالیف شخص هر انسان و ملکان و مدین قانون به اسلام میباشد و اما عاقله و نه انچه نویسنده و سبب است و سبب کاران ما را افکار غلط

به محکوم سقاس میشود و دیگر استعمال آن مضر است این است که عناصر انقلاب اولی از دم بدرد انقلاب و تکامل ضروری امروزی نمیشورند يك دلیل دیگر هم برای اینکه دیگر نباید عناصر انقلاب گذشته در امور اجتماعی پیشوا باشند ذهن نویسنده را اشتغال نموده است و آن این است که این طریقه چون قوانین را اغلب خودشان وضع کرده اند متوقعند که همه گس بان قوانین احترام نباید ولی خودشان باها ذره احترام نمی گذارند و اطاعت نمی نمایند آنها میکنند که این قوانین مخلوق ماست اولاد ماست انسان بطور از مخلوق و یا اولاد خودش اطاعت میکند

بنفیده نویسنده باید برای بروی کار آوردن آلهای تازه از این به بعد دامن محنت بکمر زده و در این ایام که انتخبات دوره پنجم نزدیک میشود مردم باید بداند که عناصر روی کار نیامده جوان خیلی بهتر و مؤثر و مناسب ترند برای وکالت دادرشوری ملی و عاقله در دوره های مکرر روی کرسی های مجلس ملی نشسته و جرت زده اند دیگر باید خانه نشین باشد مردم باید بداند که در حال دوره مشروطیت و عناصر انقلاب اولی که اغلب امروزی و مجلس و دولت دولتی هستند ایام مملکتهای کلاس های ابتدائی مدرسه تجدد و ازادی بودند

اینها دیگر نمی توانند کلاس های بالار را تدریس نمایند برای کلاس های بالاتر از کلاس ابتدائی مدرسه تجدد و ازادی معالین دیگر لازم است که آن ها آدم های تازه اند

اینها می توانستند انقبای تجدد را درس بدهند آدم های تازه باید بیایند و کجاب های تجدد و ازادی را تدریس نمایند آنها می توانستند کلمه مشروطه و ازادی را با گوشها آشنا نمایند آدم های تازه باید بیایند و معارف اصول تجدد و ازادی را در قلم جامعه بکجبالند

غرض آنکه مردم ایران اگر بخوانند از کلاس اول مدرسه تجدد بکلاس دوم بروند باید آدم های تازه را بروی کار بیاورند و این دوره پنجم مجلس را از عناصر تازه جوان و غیر طایرس مملکت کنند در این زمینه مقالات مسلسل در نشریه های آینده و بنظر قارئین خواهد رسید

نقائهای محمد مایشاه بودیم شما کجا بودید ؟ نمیدانم گناه ما چیست که آنوقت بچه بودیم و طبیعت میخواست ما را در مدرسه برای انقلاب آینده این سرزمین به پرور اند ما بانها میکوشیم بهمین دلیل که شما در سنگرهای مجلس برای استقرار آزادی هدف گدوله بوده اید باید امروز در تکامل آزادی و ترقی دخالت نداشته باشید شما همان سوزن گرامفون هستید که در صفحه اول انقلاب اول کار خود را کرده اید و دیگر گند شده اید شما دیگر بدرد صفحه دوره تکامل نمیخورید و دخالت شما در این صفحه باعث خرابی آن خواهد شد شما دیگر خسته شده اید شما مایوس شده اید آدم خسته و مایوس دیگر بدرد انقلاب و امور اجتماعی نمی خورد يك دسته تازه با دماغ های تازه کار لازم است و بملامه شما فاسد شده اید شما خود خواه و مغرض شده اید همانطور که سوزن انزکیون و سالوارسون يك دغه که داخل شریان سقاسی شد آورده به میگرور سقاسی میشود شما هم که يك مرتبه داخل مبارزه با عناصر مستبد شده اید مرتجع شده اید اغلب شما ها در دوره انقلاب مقدس ترین مقصد را انقلاب میدانستید امروز فاسد ترین عقیده را عقیده انقلابی میشمارید سر مقاله های روز نامه نویسمان آقای ملک الشعراء ( که نویسنده بواسطه جنبه ادبی او باو احترام میگذارد ) ده سال قبل اغلب ندای انقلاب و دعوت بشورش بود نمی توان گفت که ده سال قبل ایشان عقیده با انقلاب نداشتند و آنها را مصنوعی می نوشتند چه که اگر مصنوعی بود در قلوب اثر نمی کرد و مکرر امتحان شده عقاید مصنوعی هیچگونه آثاری در قلوب مسنومین نشده پس باید چنین داشت که نویسنده نویسمان آن ایل و انما انقلابی و يك بود ولی چون پنج شش سال متادیا داخل مبارزه باطافه مستبد و مرتجع بودند خود شانهم مرتجع شدند هیچگاه از اصول و قوت دغه دور نگذاشتند و در این ایام که آلوده

وثوق الدوله دارلذریرا او اولین حق و حقوق ایشان را با بیهال اسیر حرس و از نظریات شخصی خود گردیزا کترین عمل و مکانی بود در ایران که ارا انتخابات و حق قانونی آنان با انتخاب اشخاص غیر صالح بضرر جناح و سر نیزه حکام و عاملین آقای وثوق الدوله ازین وقت ماطلر باطل کردید و دیگر با فائز جناب آقای وثوق الدوله شخص کافی و از عهده انتظامات و جلوگیری از افشاش و تب اموال بیچاره ضحای را خوب پر آمده اما زمانه است استقلال ما را برده و کالبد آزادی ما را بر سر نیزه انداخته و خیانت جریحه دار نماید آیا باز هم روایت او را خادم دالعه و سقاسی کنید بملامه و سر و قرائن میرزا قتی خان امیرا را بخوابید آیا شخص شما در عاقله عدل و انصاف که ذی رای بود و حق دارید اظهار عقیده کنید حکم برائت ساحت آقای وثوق الدوله میکند و چنان شما هم ایضا میکنید و دیگر میگوید قضایای محاکمات در تحت آراء هوچیان ممکن است بهنگی عیبیه دهد یعنی خادم مقام خانی و خانی بجایگاه حسام نشیند بی تصدیق میکنم ولی بشما اطمینان میدهم این چند روزی پیشتر هر نداده قتیان و ثمرات عملیات و گذارشات هر خادم و خانی بیرونی واضح و هویدا می شود و یادمان اشخاص خادم در صفحات تاریخ درج خواهد شد ایضا تاریخ دروغ آیا مدالید ممکن است شما خیال میکنید شبک یک از سلاطین عادل و با انصاف بود و بهنگی الوشیردان جابر و خوریز بشمار آید مکر عملیات حضرت اشرف آقای میرزا قتی خان امیر گیر نبود که امروز اسباب افتخار همایرانی و ایرانی خواه است مکر حکم عمومی او را بطور عاقله و جگره فکر برایش صادر نمیشود او را مقدس و عالی مقام دانست مکر خود را باو توجه کرد و با ادم روح مقدس را بر پیشانی برده و تقابله اشعار و سرود های کرنا کون

صفحه ۲

### لیساجه

(ایرا) نمایش تمام آهنگی رستاخیز سلاطین ایران

در خرابه های مداین

این مفاومه اولین ایرانی است که در زبان فارسی به مرض نمایش گذارده شده است

مبداء نگارش

این کوئنده سنه ۱۳۳۱ در مسافرت از بغداد بموصل مشروطه بعضی از نسر های حوالی خرابه های شهر معظم مداین را زیارت نمودم نمایش ویرانه های آن گهواره تمدن دنیا مرا از خود بی خود کرد و این ایرانی رستاخیز نشانه های قطرات اشکی است که بروی کاغذ برای غروب های نیاکان بدینت ریخته ام « اشخاص ایرا »

- خواننده اول ( میرزاده عشقی بالایی ستر دی خرابه های مداین )  
 خواننده دوم ( خسرو دخت با کفن )  
 خواننده سوم ( داریوش )  
 خواننده چهارم ( سیروس )  
 خواننده پنجم ( نوشیروان )  
 خواننده ششم ( حسن پرویز )



# امشب در سالون کراند هتل روح رب النوع نظامی جاوه کر خواهد شد و این نمایش

که اثر قلم آقای کسرائی است بتوسط ماهرترین اکثر و اکثریت ها به عرض نایش گذارده میشود. رن هم ایران را مسام اوسیا بازی خواهد کرد غفلت نکند بلیط خریداری نماید

و درود های بی پایان شاد و خرم کرد  
این است عاقله این است قضاوت  
این است قاضی و معلولان لازمه او  
آقای مدافع شایسته خلی زیر دست و  
شهادت میباشید شما میتوانستید سطور و ادوات  
جراهد را ببالند از انکار و نظریات خود با  
آن قلم سریع و سیر خرد و سیرزید و صاحب  
جریده را معنون عواطف و احساسات  
قلبی خود نمود و از طایفه بوسید و لوانج  
مهرله خود فکر پاره از عوام را در بریده و  
براه کج و موج خود هدایت نموده و  
ان را سبب نهایی شاید آقای شایسته  
و ثوق الدوله بایران دوباره مراجعت کرده  
و پسند اولیه اش مستقر کرده و شاید

هم بشما توجیه کرده و مسائل فراغت با  
و لوازم آرایش و کیف شما را فراهم و  
آماده نماید با باز هم بشما اطلاع میدهد  
که این خیال باطل و خام را از دماغ خود  
بیرون سازید زیرا ذرات و لایحه ایران را  
را نسبت به توفیق الدوله ارام نخواهد کرد  
بلکه بوسيله این گونه دفاعیات و عمل غیر  
مصدق شما آن مصائب و محن نا محمود  
زمان و توفیق الدوله را بخاطر آورده و داغ  
ایران را از آن رفته و داغ ها  
نازه میباشید و از توفیق ایرانیان را فروخته  
و متعجب و میبایست  
بقیه دارد شیخ هادی بصیر

## الکمال الکمال

### مجلس شورای ملی

یوم یکشنبه ۲۲ دلو

پس از قرائت صورت جلسه یوم قبل  
آقای اقبال السلطان شرح کلماتی را که در  
عدم لزوم در دور قانون انتخابات جدید  
ایران نمودند

آقای میرزا علی کازوونی اظهار داشتند  
پس از آنکه برای البین مضار و معایب  
قانون انتخابات موضوعه را مشاهده نموده  
تقریباتی که ممکن است در آنجا وارد بخوبی  
بر همه آقایان واضح گردید دیگر جای  
مخالفات از برای ترمیدان و دخول دستور  
و طرح قانون انتخابات جدید باقی نمانده  
است و دوسیه های انتخابیه را محالیا همه  
ملاحظه کرده اند و لازم به توضیح و بسط  
در آنها نیست اساسا و کلیتاً بیست و پنج  
موکل خود باشد بر خلاف این ترتیب سوء  
بر ظن موکل را فراهم می آورد و علیرضا  
تجدید نظر را در قانون انتخابات لازم دیده  
تا از بعضی تجاوزات و بلکه از این سرعت  
های حکومت ملی جلوگیری شود و بالاخره  
انتخاب بلا مرکزیت که نه وکیل و نه  
خود را بداند و نه موکل نائب ممانعت  
نماید خود را بشناسد بعلی ای قاید است  
و تا ترتیب انتخاب و تعیین و کلا از راه  
حقیقت باشد که زحمات ما بلا نتیجه و خالی  
مانده و هیچ کار ایران ترتیب صحیحی بخود  
نخواهد گرفت و با العکس

خلاصه اگر بقوانین تمام بآلک متبدله  
مانده هم که مترجمه شود چربك اقامت  
وکیل در محل را تا مدتی متجاوز  
داشته اند

شاهزاده اقبال السلطان در عرض ایرادات  
خود اظهار داشتند که کمتر دیده شده رؤسای  
ادارات منتخب شوند و حال آنکه خود  
شاهزاده رئیس کمرک بودند و امثال ایشان  
در تقیبه اقتدار البیة میتوانند وکیل  
شوند پس باید این مطلب را کمالا مراعات  
نموده چه اینکه قانون انتخابات هم وقتی  
وضع شد که در ایالات و ولایات هنوز  
اداراتی تشکیل نشده بود و الا سلطان  
آن اشخاص از انتخابات منظور میشد و  
بالاخره تا وقتی که هنوز دوره انتخابات  
حاشیه باخره رسیده حکام تعیین و تبدیل  
میشود و کارهای یک وضع دیگر کوفی  
پیدا میکند هیچوقت برای اصلاح نخواهد  
افتاد

در این موقع یکایک بودن مذاکرات  
رای گرفته و چند دقیقه بعد از آن مجلس  
از اکثریت ساقط و سپس برای دخول در  
شور مواد قانون انتخابات رای گرفته و  
تصویب شد

ماده اول و دوم قرائت و مطابقت  
راجع آن پس از آنکه بالاخره برای انقضی که

داشت مسکوت گذارده شده و ماده پنجم  
قرائت کردند

آقای اقبال السلطان اظهار داشتند که  
بصريح مانده باید از اینکلی باله از ربع مجموع  
عده رای دهندگان باشد و در اینصورت  
ممکن است که يك نفر صاحب اقتدار من  
غیر حق صاحب ده هزار رای بوده و يك نفر  
دیگر با صد هفتاد صاحب دو هزار رای باشد  
و در اینصورت شخص اول اولی خواهد بود  
آقای دست غیب عقیده داشتند که  
خوبست اکثریت را در اراء ملتاور داشت  
و رعایت ربع عده رای دهندگان بی مورد  
خواهد بود و فیق در صورتی هم که تعداد  
اربع باشد از ربع اشخاص رای دهندگان نباشد  
لازم بقید اقتضای باشد و ضرری هم  
متوجه دولت نخواهد شد

دو این موقع مجلس برای انقضی تعطیل  
و مقارن ظهر عیددا تشکیل گردید و دوسیه  
وزارت داخله مورد بحث واقع شده آقای  
زنجانی عقیدشان این بود که از این یکماه  
آخر سال هم صرف نظر نموده و فکر  
اساسی باید کرد چه اینکه بالاخره پس از  
ایک این مدت قابل را هم صرف این  
بوده گردید تا عید تمام نشده و صورت  
عمل پیدا نخواهد کرد و علیرضا سابقا  
که بودجه کلی وزارتخانه را بطلبه سابقا  
بمول بداند اند صورت جایی از آنها  
نمی و در آن نظر نمایند و در صورت لزوم  
سخت و زواید آن را موقوف و کمرش  
را درست کنند و این مدت قابل که از  
این سال باقی است مثل سابق معمول دارند  
شاهزاده اصرت الدوله توضیحاتی  
راجع به لزوم گذشتن بودجه وزارت داخله  
داده و آقای منصور الملک هم در تعقیب  
اظهارات شاهزاده در خصوص بودجه وزارت  
داخله و اداره نظایه و کارد شهری ایراداتی  
نمودند

آقای شیخ الاسلام اسفندی اظهار داشتند  
که اولاً در وقت روحش از این بودجه  
اطلاع ندارند

و اینکه آقای منصور الملک اظهار می  
دارند که یکصد و پنجاه و دو هزار تومان  
اصافه موجود دارند این وجه از ۷۲۰ هزار  
تومانی است که قبل از بودجه چهاردهویاری  
باقیه احتساب داده شده بود که ایشان  
۳۲۰ هزار تومان آنرا از بودجه قبل از  
چهاردهویاری کسر کرده و اینک میگویند  
۱۵۲ هزار اضافه موجود دارند

دیگر آنکه ۲۳ فقره از بنادر جنوب  
را (حقوق صورت آنها قرائت شد)  
جزو بودجه نیاروده اند احی لازم است  
که محاکم و رؤسای قضایه و قریباً داخلی  
انجا ها را هم بدانند

آقای منصور الملک ایرادات ایشان را  
جواب گفته و پس از آن راجع به تعیین  
جلسات مجلس پیشنهاد داده شد و بالاخره  
بنابر پیشنهاد صورتی آقای ملک الشیرا قرار

شد در عرض هفت شنبه و یکشنبه جلسه  
قبل از ظهر و سه شنبه و چهارشنبه پنج  
شنبه دو ساعت بغروب تشکیل گردید و در  
جلسه آتی قانون انتخابات ردوده وزارت  
داخله معین و پرونده شنبه دو ساعت  
و نیم بغروب و دوگول سرگردیده جلسه  
ختم شد

### اعزام مفتش

بلاخره پس از يك سلسله تذکره به  
لایحه کارکنان وزارت فواید عامه خصوصاً  
دایره طرق شوشه که فوق العاده مورد  
توجه و بحث است و امیدواریم پس از  
تعیین وزیر وقت امنیت طرق شوارع دیه  
ایلافی رئیس قلی و خراب کارهای که در  
مدت تصدی آن که انور باز با بوسطه بی  
اعتنائی وزراء وقت بوده با علت دیگری  
داشته بحث خواهد نمود دیروز يك نفر  
مفتش باز باصلاح دید رئیس طرق شوارع  
اعزام گردید معلوم است کسی را که این  
دلیس معین کند چه تقیضی خواهد کرد و  
چه نتیجه خواهد داد

پس از اینکه خبر رسیده است به  
قزوین که مفتش خواهد آمد لکرائی رسیده  
است که مفید توهان بصرف و یکبار و  
چهار صد و گری سوخته است اگر يك  
مفتش صحیحی چنانچه در شهره قبل  
اشاره کردیم فرستاده می شد الوقت معلوم  
میشد که چه شده فعلا ما باز معتقد هستیم  
به این آرای خرابی را داده و شوشه بطایفه  
حاصل نمیشود تا وقتی که تصدیبان خرابی در  
راس این در قرار گرفته اند

### بیمندان کونی

اه من ایوانه انکار پریشان تا آلمات  
روحي عواطف قلبی وان احساسات رفت  
آورد که در تقیبه آثار قلب افروده من  
از من تراوش میگردد نوشته و تمام روحیات  
خود را با این قلم کوچک تحریر کنند  
آری قلم من کوچکتر از آن است که بتواند  
آن خصوصیات که در اثر استقامت تا ابدیات  
و حوادث غیر متعده روزگار بر قلب متاثر  
و دماغ حساس عارض میشود شرح دهد  
آن حرکات سریع غیر مرتب و فشاری که  
مقتضیات شوم طبیعت با کمال اقتدار و بی  
رحمی بسز وارد کرده و پردهای دماغ را  
مرفعی میبازد چگونه میتوان آن حرکات  
را تشریح کرد و بالاخره آن قنارات روحی  
را نوشت

آری از حالات قابل وصف نیستند آن  
تأثرات دماغی را قلم نمیتواند بگوید این  
عقصریکه اکنون قلم را چیر من بر این  
صحنات میبازد گرچه قریب نموده الهیات  
قلبی من است که از آنک خانه من بر این  
اوراق تشریح میکند بای این احساسات  
رفت آور این ادراکات رفیق قلم و حتی هیچ  
قلمی نمیتواند آنرا که روحیات و مسائل

## تجلیل و روح

سفر کیر عثمانی از طرف جمعیت اتحاد اسلام

هس روز پنج شنبه ۱۹ دلو عده از افراد محترم جمعیت اتحاد اسلام من باب تجلیل  
ورود و تبریک و خوشامد حضور میهمان معزز قلمه وارد اسلامی آقای عی الدین یاشا  
سفارت کبرای دولت عثمانی در پشاکه معظم له حضور بهم رسانیده و در حیثیات  
خانه دل میهمان قلمه را نوازش داده و هدایای قلمی خود را که ناشی از دارا بودن صرف  
اسلامت و عصمت حیثیات است بحضورشان تقدیم نموده سپس حضور آقای احمد الودادین  
فطن مفصل و سوطی در زمینه اخراج و اتحاد مالد اسلام و اتصال رشته های با استحکام  
و دایه اسلام و بر افراشتن لوای اسلامت و مواسات و مواسلت اسلامیان بیان فرموده  
و جوابا شرحی از طرف حضرت آقای سیر بی بر تقدیر و خوش بینی از احساسات  
جمعیت مزبور ایراد و نهایت از استقبال اظهارات ایشان ایراد داشت می نمایند  
اینک در این زمینه شرح مفصلی از طرف جمعیت اتحاد اسلام بداره رسیده  
که بواسطه ضیق صفحات از درج آن صرف نظر نمودیم

### جریده انعکاس

جریده شرقیه انعکاس از منتهی آینه موقعاایم دوشنبه و شنبه در تحت مدیریت آقای بهرامی  
و کسر عاصم حقوق وکیل رسمی علیه بطبع رسیده و زینت بخش عالم مطبوعات خواهد گردید  
باید طولانی که بالاخره صاحب مدیر محترم آن در علم حقوق دارند البیة انتظار  
میرود که با اشتغال مقام جریده نگاری عا قریب عموم را به حقوق حقه خود آگاه نمایند

### صفحه ۳

خواننده هشتم ( شیرین ماکه قدیم ایران )

خواننده هشتم ( روان شت زردشت )

( پرده که بالا رفت )

خرابه مغربی را [ که یکی از عبارات سلطنتی عرب دربار سلاطین  
سامانی است در مداین ] نشان میدهند و چند قبر در زمین و ستونهای درست و  
نیمه مانده و مجسمه های رب النوع ها در آن دیده میشود خلاصه ملأ آن پرده  
طولی اسرار انگیز بنظر خواهد آمد میرزاه عشقی وارد شده با کمال حیثیت  
در کار آهشای پرده و در حال آثار واه کشیدن است  
( میرزاده عشقی ) بآهنگ مثنوی

این در و دیوار در بار خراب چیست یارب وین ستون بی حساب  
زین سفر گرجان پدر بر دم دگر شرط گردم تا ورم نام سفر  
اندرین بیراهه وین تا ربك شب گردم از تنهایی و از بیم تب  
گرچه حال از دیدن این بارگاه شد فراموشم تمام رنج راه  
این بود که وارده ساسانیان بنکه تاریخی ایرانیا  
قدرت و علمش چنان آباد کرد ضنف و جمالش هم چنین بر باد کرد  
ای مداین از تو وین قصر خراب باید برای زخجات گردد آب  
( میرزاده عشقی ) بعد از خواندن این مثنوی دست به پیشانی گذاشته و پس  
از مدتی تاسف و آه عمیق می نشنید و با آواز سیه قنار این غزل را میخواند  
( آهنگ سیه قنار )

زدم دست بدارید که خرف میریزد قطره قطره دم از دیده برون میریزد

(۱) کُل و کُرا فراتر از زبان قدیم را گویند